

همانطور که پیش بینی میشد خاتمی با رای اکثریت قابل ملاحظه ای از رای دهندگان برای دوره دوم ریاست جمهوری انتخاب شد. بنا بر گزارش وزارت کشور نزدیک به ۲۹ میلیون نفر در انتخابات شرکت کردند که خاتمی بیش از ۲۱ میلیون رای را بدست آورد. شش نامزد دیگر ریاست جمهوری که به محافظه کاران نسبت داده میشوند روی هم رفته ۶ میلیون رای آوردند. با در نظر گرفتن نقش شورای نگهبان به نمایندگی از طرف بنیاد گرایان اسلامی در دست چین کردن نامزد های ریاست جمهوری و رای دهندگان زیر ۱۸ سال و تولید وحشت دستگاه نفتیش عقاید قضائی اسلامی انتخابات ۱۳۸۰ مانند سایر انتخابات جمهوری اسلامی از ویژگی های دمکراسی بی بهره بود.

متفکرین مذهبی که در دوره اول ریاست جمهوری خاتمی دور او جمع شده بودند و تصور میکردند با اصلاحات میتوانند جمهوری اسلامی را تغییر دهند شکست های بزرگی خوردند. خاتمی نتوانست از نیروی جهنده مردمی که او را ۴ سال پیش بقدرت رساند بود بدرستی استفاده کند و اجازه داد تا بنیاد گرایان اسلامی به مرور زمان وجودش را بی اثر کنند. خاتمی در دوره اول ریاست جمهوری با مجلسی روبرو بود که پشتیبان ولی فقیه بود و سیاست های او را دنبال میکرد و برنامه های دولت را تصویب نمی کرد و جنبه قانونی به آن نمی داد. طرفداران خاتمی امید زیادی به پیروزی در مجلس جدید داشتند و حتی وقتی که این پیروزی در مجلس به واقعیت پیوست مجلس مانند رئیس جمهور توسط ولی فقیه بی اثر شد.

امیدهایی که پیروزی بزرگ دوباره خاتمی به همراه داشت به سرعت با معرفی دولت او که پر از محافظه کاران است و بی شهادتی مجلس از مخالفت آشکار با آن از بین رفت. ولی فقیه و هم دستان محافظه کارش در این دوره از ریاست جمهوری خاتمی با اتکاء بنفس بیشتری عمل خواهند کرد چون او در چهار سال گذشته نشان داده است که در مقابل مبارزه طلبی های ولی فقیه همواره جا خواهد زد. خاتمی و مجلس طرفدار او تمام دست های سیاسی را که میدانستند تا بحال بازی کرده اند و همانطور که ما میدانیم جزء تحقیر سیاسی چیزی برای آنها ببار نیاورده است. بزرگترین دست آورد خاتمی در دوره اول ریاست جمهوری آزادی مطبوعات مذهبی ها و کم شدن فشار های اخلاقی بنیاد گرایان اسلام گرا بر مردم بود که اولی نزدیک به نابودی کامل است و دومی با اجرای قوانین اسلامی مانند شلاق زدن خلاقکاران در میدان ها و خط و نشان کشیدن برای پخش کنندگان موسیقی و نوشابه های الکلی و زنان رو به نابودی است.

در ایران جمهوری اسلامی، مؤسساتی که بر آمده از اراده مردم هستند مانند مجلس، رئیس جمهور، انجمن شهر ناتوان از اجرای برنامه های خود هستند. مجلس مؤسسه ای که وظیفه و صلاحیت قانون گذاری دارد تابع دادگستری است که موظف است قوانینی را که مجلس میگذارد اجرا کند. دستگاه ولایت فقیه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان بنا بر آموخته های فقه اسلامی خود ایران را اداره میکنند. جمهوری اسلامی بر دو پایه بیگانه باهم بنا شده است. پایه اول انتخابات و رای مردم است که کارکرد آن جنبه قانونی دادن به رژیم است. پایه دوم رهبری روحانیت شیعه سیاسی است که ضامن اسلامی بودن رژیم است. این پایگاه های دوگانه رژیم در دوران ریاست جمهوری خاتمی نشان داده اند که چقدر باهم در تضاد هستند و برتری و تحکم روحانیت شیعه سیاسی بر نمایندگان مردم جنبه مردمی و قانونی رژیم را از بین برده است.

وحدت نیروهای مذهبی سیاسی از آغاز انقلاب ۱۳۵۷ همانطور که رهبری انقلاب را به دست آنها داد و توهم فراگیری نیروی سیاسی آنها را بوجود آورد، علت اصلی دوام قدرت سیاسی آنها در بیست سه سال گذشته است. مردم ایران در حال حاضر بخوبی میدانند که انقلاب ۵۷ و تمام رهبران آن به مردم خیانت کردند و جهنم امروز ایران همان بهشتی است که آنها قول داده بودند. مردم ایران در مقابل رژیم جمهوری اسلامی و فاتحان شیعه سیاسی مردمی شکست خورده اند که مهاجرت میلیونی آنها دلیل آشکار آن است. خاتمی و تشکل اصلاح طلب پشتیبان آن این تصور را برای مردم پیش آورد که با پشتیبانی از آنها میتواند شان و غرور خرد شده خود را پس بگیرد و راهی بسوی بدست گرفتن سرنوشت خود باز کند. در دوره اول ریاست جمهوری خاتمی جنجال سیاسی زیادی برپا شد که بزرگترین دست آورد آن کم شدن فشار های اجتماعی حزب اله به مردم برای ظاهر اسلامی آنها بود.

اصلاح طلبان با از دست دادن آزادی مطبوعاتی خود ابزار تبلیغاتی عقیدتی خود را از دست دادند و در تنها درگیری خیابانی با جنگجویان خیابانی حزب اله شکست خوردند. در دوره اول ریاست جمهوری خاتمی اصلاح طلب و حزب مشارکت اسلامی، تشکل سازمانی پشتیبان آن نشان دادند که به وحدت با روحانیت شیعه سیاسی بیشتر اهمیت میدهند تا به خواست مردمی که آنها را برای اجرای قدرت سیاسی انتخاب کرده اند.

انتخابات و رای مردم ابزاری است که رژیم برای قانونی نشان دادن خود به آن احتیاج دارد و از آن استفاده میکند تا وقتی که مانند طالبان افغانستان آن گستاخی و بی نیازی را احساس کند و آن را یک سره کنار گذارد. در کشاکش بین اصلاح طلبان و تند روهای اسلامی و نامزد های ریاست جمهوری که بنظر میرسید تنها اصلاح طلب در میان آنها خاتمی است که کارنامه ای دارد که اگر در آن نمره خوبی برای جنگجویی برای آزادی های مردمی ندارد سابقه ای هم برای مردم آزاری ندارد. خاتمی انتخاب مطمئنی برای مردم بود که با شگفتی های ویران گر اسلامی جدیدی روبرو نشوند. آشکار است که ولایت فقیه و شیعه سیاسی پشتیبانی اقلیت کوچکی از رای دهنده گان را در اختیار دارند اما این باعث نمی شود که آنها از تحمیل خود به تاریخ و مردم خود داری کنند. اصلاح طلبان امیدوارند با کمتر شدن پایگاه فقهاتی ها در انتخابات بعدی آنها قانع شوند که سیاست های خود را تغییر دهند و در مقابل اصلاحات آنها مقاومت نکنند.

خاتمی با انتخاب وزرائی که به تأیید فقیه رسیده بود و همکاری مجلس در تأیید آنها نشانهای دیگری از وحدت نیروهای مذهبی سیاسی بودند که سرنوشت یکسانی برای خود می بینند. اجرای قوانین جزای اسلامی در مکان های عمومی در روزهای اول دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی، یاد آوری به مردم رای دهنده ایران است که فراموش نکنند حاکم واقعی بر ایران کیست. حزب اله فقهاتی در این مبارزه طلبی برای ارزش های اسلامی توسط گردانندگان دستگاه قضائی اسلامی بخوبی پشتیبانی شد. مجلس و خاتمی به مخالفت با این اقدام برخاستند و بهترین دلیلی که آوردند این نبود که زمان اینگونه مجازات ها قرن ها است که گذشته است بلکه این بود که اجرای حدود اسلامی چهره اسلام را در جهان بد نشان میدهد. روحانیت شیعه سیاسی تهاجم سیاسی خود در دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی ادامه خواهد داد و با اتکاء به تعبیرهای مذهبی به محدود کردن آزادی های اجتماعی مردم اقدام خواهد کرد. دستگیری ملی - مذهبی ها که ماه ها است در زندان اند اخطار دیگری به نیروهای سیاسی مخالف است که فکر نکنند از سنگر اصلاح طلبان طرفدار خاتمی و رای دهندگان به او استفاده کنند و پایگاه سیاسی برای خود بر پا کنند.

مخالفان رژیم جمهوری اسلامی در خارج به دو گروه تقسیم شده بودند. یک گروه تحریم انتخابات را تبلیغ میکردند و شرکت کردن در انتخابات را نشانه پشتیبانی از رژیم تعبیر میکردند. این گروه که بیشتر از سازمان های کمونیستی و سلطنت طلبان "فاشیست ها" تشکیل میشدند صرف نظر از اینکه اصولاً به انتخابات و رای مردم هیچ گونه اعتقادی ندارند و آن را وسیله ای برای دست ساز کردن اراده مردم میدانند، آنگونه رفتار میکردند که مانند این بود که احزاب پر طرفدار با کادرهای وفادار و جنگجویان خیابانی آماده خود را دارند و چنانچه اگر مردم این انتخابات را تحریم کنند خود آنها با نیروهای وسیع مردمی که در اختیار دارند بزرگترین تغییرات سیاسی را در ایران ایجاد خواهند کرد. در صورتی که ما بخوبی میدانیم که این گروه ها با کادرهای اندکی که دارند و تعقل چلیده و بی انضباطی سیاسی خود گروه های پراکنده سیاسی هستند که حرافان و شاف های سیاسی بیش نیستند که در حاکمیت مصیبت بار جمهوری اسلامی بر ایران در موقعیت حساس انقلاب ۵۷ نقش اساسی بازی کردند. گروه دوم به شرکت مردم در انتخابات معتقد بودند و آن را تبلیغ میکردند. بخشی از این گروه شامل سازمان های کمونیستی بودند و بخش دیگر جبهه باصطلاح ملی ها بودند. کمونیست های شیفته همکاری با جمهوری اسلامی و همینطور جبهه ملی ها علاقه زیادی دارند در فعالیت های ضد آمریکایی و غربی جمهوری اسلامی نقشی داشته باشند. از جهت دیگر تنها شانس این نفس کشیدن در جمهوری اسلامی را با پیروزی خاتمی و اصلاح طلبان امکان پذیر مینماید چون خود را هم آورد میدان جنگ حزب اله نمی بینند. از طرف دیگر این گروه در دگردیسی سیاسی خود به رای مردم و انتخابات تا حدودی اعتقاد پیدا کرده اند.

امید دگرگونی سیاسی با دادن رای در مردم برای همیشه باقی نخواهد ماند. در این انتخابات ریاست جمهوری بیش از اینکه مردم به خاتمی رای بدهند سعی کردند به منتخبین دیگر شورای نگهبان رای ندهند و مردم زیادی بطور کلی رای ندادند. باید دید در چهار سالی که در پیش است مردم چقدر به حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود دست خواهند یافت. اگر اصلاح طلبان مذهبی سیاسی از اتحاد با روحانیت سیاسی فقهاتی دست بردارند و به اتکا به پایگاه مردمی خود و صندوق های رای به مبارزه جدی سیاسی با فقهاتی ها پردازند شانس پیروزی زیادی خواهند داشت این حرکت با خاتمی یا بدون او امکان پذیر است. در کوتاه مدت اصلاح طلبان مذهبی تنها نیروی سیاسی هستند که میتوانند دگرگونی های بزرگ در ایران ایجاد کنند. و یا اینکه باید منتظر شد تا در آینده نامعلوم نیروی سیاسی دگرگونی های بزرگ را در ایران ایجاد کند. ۹-۱۹-۰۱